

جوانی جمعیت و اقتصاد و قدرت نظامی

مهدی رستمی پائین افراکتی^۱، جواد جدی دلشاد^۲

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد پولی پیام نور بین الملل تهران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری اقتصاد پولی پیام نور بین الملل تهران

چکیده

جمعیت و ابعاد آن نقطه مرکزی هر نظام اجتماعی محسوب می‌شود. تحولات جمعیتی تقریباً تمام جنبه‌های زندگی انسان و جهان پیرامون وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات متعددی بر خرده نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می‌کند و منشأ تحولات چشمگیری در این حوزه‌ها می‌شود. برای برنامه‌ریزی جهت توسعه همه‌جانبه یک جامعه، شناخت جمعیت و میزان رشد آن امری حیاتی است. از جمله راه‌های کسب توسعه همه‌جانبه، شناخت و آگاهی کافی از تغییر و تحولات جمعیتی است؛ زیرا تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای، با حجم جمعیت و ویژگی‌های ساختاری آن پیوند خورده است. در مقاله حاضر به جنبه‌های اقتصادی و نظامی متاثر از جوانی جمعیت پرداخته شده است که با روش کتابخانه‌ای و توصیفی می‌باشد. طبق یافته‌ها جوانی جمعیت باعث افزایش رشد اقتصادی و قدرت نظامی کشور خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: جوانی جمعیت، اقتصاد، قدرت نظامی.

مقدمه

جمعیت جوان به عنوان یکی از عوامل مهم اقتدار کشورها به شمار می رود. نیروی مولد و جوان به عنوان یکی از پایه های اصلی قدرت و رشد اقتصادی اجتماعی کشورها محسوب می شود. قدرت و توسعه هر کشور در رابطه با نیروی انسانی و جمعیت معنا پیدا می کند. حرکت به سمت توسعه همه جانبه نیاز جدی به توسعه و ارتقاء سرمایه انسانی دارد. یکی از مهم ترین مولفه های سرمایه انسانی، وضعیت سلامت مردم است. خوشبختانه امید به زندگی زنان و مردان در کشورمان در طول ۴۵ سال گذشته افزایش چشمگیری داشته و در حال حاضر امید به زندگی به بیش از ۷۵ سال رسیده است. کشور ما سال ها از جمعیت جوان برخوردار بوده و همچنان لازم است این ثروت حیاتی حفظ و تقویت شود. جمعیت (از نظر ساخت، ترکیب و توزیع) یکی از مؤلفه های قدرت و اقتدار ملی و استحکام ساخت درونی قدرت هر کشور، عامل مؤثری در شکل دهی قدرت نظامی و اقتصادی کشورهاست. امروزه بحث جمعیت جامع تر و فراتر از چهارچوب سنتی مورد توجه قرار می گیرد و اهمیت کیفیت جمعیت و توانمندی های آن نیز به مراتب افزایش پیدا کرده است. مسئله جمعیت یا همان منابع انسانی، اصلی ترین نقش را در تولید قدرت ملی ایفا می کند تا آنجا که منابع مادی - منابع زیر زمینی و رو زمینی - و نیز توان تکنولوژیک، قدرت نظامی و حتی خود سرزمین در کنار عامل جمعیت، معنا پیدا می کند. در کشورمان شاهد سال هایی هستیم که به علل مختلف، سیاست کلی کشور به سمت کاهش جمعیت متمایل بوده و در این زمینه نیز تا حد قابل توجهی پیش رفته است. این در حالی است که روند کاهش جمعیت جوان در سال های آتی، می تواند کشورمان را از جهات مختلف در معرض خطرات جدی و جبران ناپذیری قرار دهد. متأسفانه در سال های اخیر روند باروری در کشور شیب نزولی داشته است. بررسی های انجام شده حاکی از آن است که نرخ باروری کلی از ۲٫۱ در سال ۱۳۹۵ به ۱٫۷۴ در سال ۱۳۹۸ رسیده است و در سال ۱۴۰۲ این روند کاهشی همچنان ادامه داشته و با سطح جانشینی فاصله زیادی دارد. با شیوع بیماری کووید - ۱۹ از پایان سال ۱۳۹۸، انتظاری رود به دنبال بحران اقتصادی و شرایط خاص کنترل این بیماری، روند کاهشی میزان مولد در کشور همچنان تداوم داشته باشد. پیش بینی می شود در سال ۱۴۲۰ در یک دوره بیست ساله، جمعیت سالمندان کشور حدوداً دو برابر شود که این روند در دیگر کشورها طی ۱۰۰ سال اتفاق افتاده است. در قیاس با کشورهای منطقه نیز، روند سالمندی در کشور ما بسیار سریع تر از کشورهایی همانند عراق و پاکستان می باشد. ایران اسلامی تا حدود سال ۱۴۱۵ در فرصت پنجره جمعیت است و از حدود ۱۴ سال آینده با بسته شدن پنجره جمعیت روبرو خواهد شد. گرچه برخی از فعالان فرهنگی این فرصت را بسیار کمتر و در حد ۶ سال تخمین می زنند. این درحالی است که متأسفانه درحال حاضر از فرصت بالقوه پنجره جمعیت در مسیر رشد و پیشرفت استفاده نشده و مراحل رشد اقتصادی را طی نکرده است. همچنین با نهایت تأسف بعلت سرعت بالای سیر سالمندی در کشور، گذار از فرصت پنجره طلایی جمعیت با سرعت زیادی در حال وقوع است. به این ترتیب نظام اسلامی ایران به عنوان مهد تمدن نوین اسلامی، برای اصلاح الگوی فرزندآوری، ارتقای ساختار جمعیت پایدار و در ادامه دستیابی به پیشرفت و توسعه همه جانبه، کمتر از پانزده سال فرصت و زمان دارد؛ چنانچه این فرصت پایان یابد تا سه دهه آینده ایران اسلامی یکی از سه کشور سالمند جهان خواهد بود. جهت بررسی این موضوع در تحقیق حاضر نقش جوانی جمعیت در اقتصاد و قدرت نظامی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

مالتوس معتقد است که گرایش مردم به داشتن فرزند، ناگزیر موجب محدودیت عرضه مواد غذایی، کاهش دسترسی به منابع طبیعی و در نهایت کاهش سطح رفاه قابل دسترس برای مردم می شود. او در کتاب "مقاله ای درباره جمعیت" سه اثر منفی برای افزایش رشد جمعیت را مطرح می کند:

- گسترش فقر از نظر کمی و کیفی

- محدودیت منابع طبیعی و تخریب محیط زیست

- عدم بهبود در کیفیت محیط زندگی

دیدگاه مالتوس درباره عنصر محرک و ضروری برای رشد و استمرار ثروت ملت-ها آن است که: "اگرچه برخی از نویسندگان بر این باورند که رشد جمعیت تنها محرک لازم برای افزایش ثروت است زیرا جمعیت مهمترین منبع مصرف است و به نظر آنها لازم است که همیشه تقاضا را برای افزایش تولید برقرار سازیم چون که طبیعی است که افزایش تقاضا افزایش عرضه را به همراه خواهد داشت. افزایش مستمر جمعیت عنصری بسیار قدرتمند و لازم برای افزایش تقاضا است اما من معتقدم که افزایش جمعیت یا فشار جمعیت به تنهایی ممکن است برای استمرار افزایش ثروت کافی نباشد که این موضوع نه تنها از نظر تئوری بلکه از نظر تجربه نیز به اثبات رسیده است" (مک دونالد، ۲۰۱۶).

نتیجه آنکه مالتوس معتقد است جمعیت محرک اصلی اقتصاد در جامعه و شرط لازم برای آن است ولی به تنهایی نمی-تواند تقاضای موثر را برای استمرار ثروت ایجاد کند. با این وجود خود مالتوس نیز در نوشتارهای بعدی خود نظرات نسبتاً منفی خود نسبت به جمعیت را تعدیل کرده است چنان که وی در ویرایش پنجم کتاب "مقاله-ای درباره جمعیت" عنوان می-دارد: با مرور بر وضعیت جامعه در دوره-های گذشته و مقایسه آن با حال باید قاطعانه بگویم که نتایج نامطلوب حاصل از اصول جمعیتی بیشتر کاهش پیدا کرده تا افزایش یابد و چندان نامعقول به نظر نمی-رسد که این کاهش در آینده ادامه یابد (دلایلی اصفهانی و اسمعیل زاده، ۱۳۸۶).

کینز نیز به تبعیت از نظریات مالتوس درباره رشد جمعیت معتقد است که: "سرمایه سرانه بیشتر موجب افزایش استاندارد زندگی است و رشد جمعیت برای استانداردهای زندگی مخاطره-آمیز است. در ابتدا به نظر می-رسد که من در مقابل نظریه مالتوس قرار گرفته-ام ولی برعکس من فقط می-خواهم این را بگویم که قبل از اینکه بتوان شکوفایی و رفاه عالی اقتصاد را برپا کرد کاهش جمعیت بسیار مشکل-ساز است. زیرا با کاهش رشد جمعیت کمبود تقاضای موثر و بیکاری منابع صورت می-گیرد." (همان منبع، ۱۳۸۶). کینز یکی از بزرگترین صاحب-نظران و از مخالفان جدی رشد جمعیت بود که در نهایت او نیز همچون مالتوس مجبور به تعدیل و تصحیح نظریات قبلی خود شد. پس به طور کلی نظریات افراد بدبین از جمله مالتوس که به عنوان یکی از مخالفان رشد جمعیت مطرح شده است، تنها اولین نتیجه انقلاب صنعتی را دیده بود و علم و تکنولوژی بعد از آن را ندید، به ویژه در قرن بیستم که پیشرفت-ها فراتر از تصور مالتوسی بود. تولیدات غذایی در جهان متنوع-تر و دارای رشد بسیار سریع-تری از رشد جمعیت بوده است. پتانسیل تولید غذایی زیادی به وسیله علم ایجاد شده و هنوز هم پتانسیل-های بیشتری می-تواند کشف شود. این فقط یک بعد کوچک از تاثیر تکنولوژی است. از این رو نمی-توان به بهانه کمبود منابع، جلوی رشد جمعیت را گرفت زیرا ممکن است از بین همین افراد به ظاهر اضافی که ناشی از رشد جمعیت هستند، افرادی پیدا شوند که به نوآوری-ها و خلاقیت دست یابند و نیازهای سایر افراد را نیز برطرف کنند.

در خصوص ارتباط بین ساختار جمعیتی جوان و رشد اقتصادی و قدرتر نظامی تحقیقات متعددی انجام شده است که در مهمترین آنها ترکاشوند و همکاران (۱۴۰۲) تحقیقی با عنوان تغییرات جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که ساختار سنی جمعیت کشور از جوانی خارج شده است و در حال گذار به سمت سالخوردگی جمعیت است. پیش-بینی جمعیت نشان داد که تحولات آینده باروری نقش تعیین کننده‌ای در تحولات جمعیتی در آینده کشور خواهد داشت. نکات اصلی در تحولات آینده جمعیت کشور شامل: تعادل در نرخ رشد جمعیت کشور، افزایش تعداد سالمندان در جمعیت، کاهش در نیروی جوان کشور به ویژه در سناریوی باروری پایین، کاهش تعداد سربازان مشمول خدمت سربازی و کاهش تعداد جمعیت دارای توان نظامی در سناریوی باروری پایین می‌باشند. افقه و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان بررسی اثر تغییرات جمعیتی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران انجام دادند. افزایش تغییرات جمعیتی از مسیر وابستگی افراد جوان و بزرگسال اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته ولی رشد جمعیت نیز اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. با این حال برآیند اثرگذاری تغییرات جمعیت بر رشد اقتصادی با توجه به ضرایب متغیرهای تغییرات جمعیتی اثر منفی آن را بر رشد اقتصادی در کشور ایران آشکار می‌سازد. همچنین مشخص نمود که شاخص امید به زندگی از شاخص‌های سرمایه انسانی اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی در کشور ایران طی دوره مطالعه دارد. به عبارتی سرمایه گذاری در نیروی کار و افزایش رفاه و امنیت آنان در جهت بهبود شاخص امید به زندگی، منجر به رشد اقتصادی بهتر خواهد گردید. عسگری و همکاران (۱۴۰۰)

تحقیقی با عنوان نقش جمعیت در حفظ اقتدار کشور با رویکرد امنیت اقتصادی انجام دادند. مطابق با یافته ها، در حال حاضر کشور ایران با داشتن جمعیتی بالغ بر ۸۷ میلیون نفر و ارتقای سرمایه انسانی، از جمله داشتن جوانان انبوه و با تحصیلات بالا، یک قدرت منطقه ای و قدرت متوسط جهانی تلقی می شود. اما با توجه به کاهش تدریجی و مداوم میزان باروری کل، این نگرانی وجود دارد که ایران طی سال های نه چندان دور دچار رشد منفی جمعیتی شود که نتیجه آن مواجهه با جمعیتی سالخورده است که مسلماً زنگ خطری برای قدرت و امنیت اقتصادی ایران در سطح منطقه محسوب می شود. سایه میری و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان فراتحلیل تأثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی انجام دادند. رشد جمعیت به عنوان یکی از عمده ترین و مؤثرترین عامل کاهش درآمد سرانه و به تبع آن، کاهش سطح زندگی و رفاه عمومی، شناخته شده است. اگر چه رشد نامطلوب جمعیت در شرایط عادی موجب فقر است، در عین حال، از همین عامل منفی می توان به عنوان عامل مصرف و به تبع آن، به عنوان عامل رشد تولید و تقاضا و شکوفایی اقتصادی بهره جست، مشروط بر این که برای بهره گیری از عامل منفی به گونه ای سنجیده و مطلوب، اصول و قواعد اقتصادی در جلب سرمایه، اعم از داخلی و خارجی، مورد بهره برداری قرار گیرد، چه در غیر این صورت، رشد نامطلوب جمعیت، موجب کاهش رفاه و افزایش فقر عمومی خواهد شد اعتمادی (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان نقش افزایش جمعیت در اقتدار ملی انجام داد. یافته ها نشان داد روند کاهش جمعیت و تبعات ناشی از آن، تا آن اندازه جدی است که رهبر معظم انقلاب در سال های اخیر بارها این مسأله را با جدیت به مسئولین و مردم گوشزد نموده و خطرات تحدید نسل و راهکارهای افزایش جمعیت را به مناسبت های گوناگون بیان کرده است. خانی و نصرالهی (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان تأثیر رشد جمعیت بر نوآوری در ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه انجام دادند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه نوآوری را افزایش می دهد. سرمایه انسانی و حمایت از حقوق مالکیت فکری نیز رابطه مستقیمی با نوآوری دارند، اما درجه بازبودن تجاری و نرخ بهره رابطه معکوسی با نوآوری دارد. خاتونی و وطن خواه (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان ارزیابی جایگاه جمعیت جوان در ساخت قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران انجام دادند. یافته ها نشان داد جوان بودن جمعیت نقش مهمی در بهبود ساختار قدرت نظامی کشور خواهد داشت.

لیانگ و همکاران (۲۰۲۳) تحقیقی با عنوان تأثیر منطقه ای جمعیت پیر بر توسعه اقتصادی در چین: شواهدی از رگرسیون آستانه پانل انجام دادند. نتایج این مطالعه این است که اگر دولت محلی می خواهد تأثیر مثبت جمعیت سالخورده را بر تولید ناخالص داخلی سرانه چین افزایش دهد، دولت های محلی مناطق مختلف باید به جای همیشه از سیاست های بیشتری حمایت کنند که با وضعیت اقتصادی آنها همسو باشد. چیستی (۲۰۲۲) تحقیقی با عنوان تحلیل رابطه بین تغییرات جمعیتی و رشد اقتصادی در پاکستان: نقش سهام سرمایه انجام داد. مطالعه به این نتیجه رسید که کل تأثیر منفی در مورد وابستگی سالمندی بالاترین است، به این معنی که وابستگی بالاتر سالمندی تهدیدکننده ترین تغییر جمعیتی برای رشد اقتصادی است. کمترین تغییر جمعیتی زیان آور، وابستگی سن جوان است. علاوه بر این، یافته های تجربی اهمیت موجودی سرمایه را به عنوان کانال میانجی در رابطه تغییرات جمعیتی و رشد اقتصادی برجسته می کند. این مطالعه سیاست های بلندمدت مؤثری را برای افزایش اشتغال جوانان و افزایش پس انداز برای به حداکثر رساندن مزایای سود جمعیتی توصیه می کند. پترسون (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان نقش جمعیت در رشد اقتصادی انجام داد. یافته ها نشان داد رشد کم جمعیت در کشورهای با درآمد بالا احتمالاً مشکلات اجتماعی و اقتصادی ایجاد می کند در حالی که رشد بالای جمعیت در کشورهای کم درآمد ممکن است توسعه آنها را کند کند. مهاجرت بین المللی می تواند به تعدیل این عدم تعادل ها کمک کند، اما بسیاری با آن مخالفت می کنند. با تکیه بر تحلیل های اقتصادی نابرابری، به نظر می رسد که رشد کمتر جمعیت و مهاجرت محدود ممکن است به افزایش نابرابری اقتصادی ملی و جهانی کمک کند. اوکا و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان جمعیت عامل اصلی تعداد گروه های جنگی و تلفات جنگ است انجام دادند. نتایج نشان داد جوامع در مقیاس کوچک گذشته خشن تر از دولت های معاصر بوده اند. در این مقاله، استدلال شد که این روندها از طریق روابط مقیاس بین جمعیت و اندازه گروه جنگی و بین اندازه گروه جنگ و تلفات درگیری بهتر توضیح داده می شوند.

جوانی جمعیت و اقتصاد

در جوامع مختلف ویژگی های جمعیت در اقتدار و امنیت اثر گذار بوده و به عنوان یک عامل مهم در نظر گرفته می شود. همان گونه که اندازه جمعیت جوان در سن کار می تواند تامین کننده نیروی کار کشور باشد و یا اندازه جمعیت سالخورده می تواند بار مالی زیادی برای نگهداری از آنان را داشته باشد، ویژگی های جمعیتی همچون سطح تحصیلات و مهارت ها و نظایر آن، به عنوان چهارچوب سرمایه انسانی می تواند آثار مثبت و منفی برای جامعه داشته باشد. توسعه و رونق اقتصادی، وابسته به نیروی جوان و کارآمد است. کشوری که با پیری جمعیت روبه رو می شود، خودبه خود جمعیت جوان و نخبه اش دچار آسیب خواهد شد. از سوی دیگر دولتی می تواند در خدمت مردم باشد و از همه توان و ظرفیت منابع ملی، سرمایه و زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری برای توسعه اقتصادی جامعه استفاده کند که نیروهای جوان، فعال و کارآمدی برای شتاب روند توسعه اقتصادی داشته باشد. به موازات پیر شدن جمعیت و کاهش نرخ رشد جمعیت، تولید نیز در کشور کاهش می یابد، در نتیجه بحران اقتصادی کشور را فرا خواهد گرفت. بنابراین توسعه یافتگی بدون برنامه ریزی و وجود منابع انسانی کمی و کیفی جوان، فعال و ماهر، مؤثر و نتیجه بخش نیست. در واقع کاهش زاد و ولد نه تنها یک کشور را به سمت جمعیت پیر سوق می دهد؛ بلکه به دلیل کاستن از جمعیت فعال و مولد، به تضعیف بیش از پیش ساختارهای اقتصادی و در نتیجه عقب افتادگی کشور از قافله توسعه جهانی نیز می انجامد. به عبارتی کاهش جمعیت، سبب کم شدن نیروی کار جوان و پویا نیز شده و رفته رفته به صنایع، تولیدات و اقتصاد آسیب می رساند و سبب ایجاد بحران اقتصادی می شود.

در حال حاضر جمعیت ایران جمعیتی جوان و میانسال است و بیش از دو سوم این جمعیت در سن فعالیت و کار به سر می برند جمعیت شناسان پنجره جمعیتی را هدیه جمعیتی می نامند، زیرا گذار ساختار سنی و پنجره جمعیتی بستری برای رشد و توسعه اقتصادی کشور محسوب می شود، در طول دوره ای که پنجره فرصت گشوده می شود، هزینه های عمومی که در برنامه های اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت صورت گرفته بود به سمت سرمایه گذاری در بخش های تولیدی و زیرساخت ها هدایت می شود، در سطح خرد نیز خانواده ها می توانند هزینه های جاری را به سمت پس انداز و ارتقای استانداردهای زندگی جهت دهند. نظریه پنجره جمعیتی به شکل های متفاوتی منجر به بروز فرصت ها برای رشد تولید سرانه می شود. افزایش درصد جمعیت در سن کار نسبت به کل جمعیت، موجب افزایش تولید ناخالص داخلی می شود، به عبارت دیگر افزایش تعداد تولیدکنندگان (جمعیت در سن کار) نسبت به تعداد مصرف کنندگان (جمعیت کودکان و نوجوانان و سالمندان) به طور طبیعی افزایش تولید سرانه را به دنبال دارد.

پنجره جمعیت و فرصت های فرهنگی و اجتماعی آن این است که می توان برای ایجاد زیرساخت هایی در جهت ارتقاء فرهنگ و علم و تربیت و تولید نیروی انسانی صالح و سالم، برنامه ریزی و سرمایه گذاری کرد. درواقع، این وضعیت از ساختار سنی جمعیت، از طریق ساز و کارهایی منجر به بروز فرصت های رشد تولید سرانه می شود که اهم این ساز و کارها که در زیر شرح داده شده عبارتند از: افزایش عرضه نیروی کار، پس انداز و سرمایه انسانی.

مراحل انتقال جمعیتی بر عرضه نیروی کار تأثیر می گذارد و این اثر از سالخوردگی منظم و گریزناپذیر نسل انفجار مولید نشأت می گیرد. زمانی که این جمعیت به سنین بین ۱۵ تا ۶۴ سالگی (گروه سنی جمعیت فعال) می رسند، میل به کار کردن دارند (عرضه نیروی کار) و منطق حکم می کند که از وضعیت وابسته به وضعیت مستقل روی بیاورند که بر اساس طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی در این سنین نیز مانند سایر کشورها برای ایران مشهود است. با ورود موج فرزندان متولدشده در سال های باروری بالا به زندگی بزرگسالی، بازار کار با جذب حجم بزرگتری از نیروی کار روبرو خواهد بود و سرانه تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت.

انتقال جمعیتی، زمینه افزایش پس اندازها را از طریق بهبود قابلیت کشور برای سرمایه گذاری و رشد فراهم می کند. در اینجا، بازهم اثر حسابداری مربوط به اندازه جمعیت به خوبی اثر رفتار در کار تأثیرگذار است. جوان ترها و سالخورده ترها بیشتر از اینکه تولید کنند، مصرف می کنند؛ درحالی که جمعیت در سن کار، سطح بالاتری از دستاوردهای اقتصادی و نیز سطح بالاتری از پس انداز را به خود اختصاص می دهند.

نهایتاً، مراحل انتقال جمعیتی اثرات معنی‌داری بر سرمایه انسانی دارد؛ اثراتی که کمتر ملموس هستند، اما بسیار معنی‌دار و درعین‌حال دیر دست‌یافتنی می‌باشند. انتقال جمعیتی با کاهش مرگ و میر و افزایش شاخص «امید زندگی در بدو تولد» همراه است که باعث می‌شود جمعیت، بیشتر و سالم‌تر عمر کند و این امر موجب تغییرات بنیادین در شیوه زندگی مردم می‌گردد. تمایلات مربوط به تحصیل، خانواده، بازنشستگی و نقش زنان در بازار کار تغییر می‌یابد. به‌ویژه اگر یک جامعه از این تحولات جمعیتی سود ببرد، قطعاً تغییرات ریشه‌ای عمیقی را در ابعاد فرهنگی تجربه خواهد نمود،

به‌گونه‌ای که در چنین جامعه‌ای، مردم دارایی‌های ارزشمندتری خواهند داشت. وقتی امید زندگی افزایش می‌یابد، والدین تمایل بیشتری دارند که فرزندانشان در سطوح پیشرفته‌تر تحصیل نمایند. فرزندان سالم‌تر در عوض، توسعه‌ی شناختی بزرگتری را در طول دوران سال‌های تحصیلشان نسبت به زمانی که در مقابل از سلامت کمتری برخوردار باشند تجربه می‌کنند. نتیجه این سرمایه‌گذاری تحصیلی این خواهد بود که نیروی کار به‌طور کلی از بهره‌وری بیشتری برخوردار خواهد بود، سطح دستمزدها ارتقاء خواهد یافت و استاندارد زندگی بهتری حاصل خواهد شد.

به فعل درآمدن این فرصت بالقوه در بُعد اقتصادی، مستلزم توجه ویژه به نقش تغییرات ساختار سنی در «چرخه عمر اقتصادی» و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شایسته برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن است. یک نقش بسیار مهم و کلان تغییرات ساختار سنی در چرخه عمر اقتصادی، تأثیر آن در رشد اقتصادی است.

میزان تأثیرپذیری رشد اقتصادی از تغییرات ساختار سنی جمعیت (با فرض ثابت بودن تأثیر سایر عوامل) را «سود جمعیتی» نامیده‌اند که از پروفایل انتقالات اقتصادی نسلی یا به عبارت دیگر از اندازه‌گیری جریان‌های دریافتی و پرداختی انتقالات بین نسل‌ها به دست می‌آید. این پروفایل تاکنون با اجرای پروژه «حساب‌های ملی انتقالات» در بیش از ۶۰ کشور دنیا از جمله ایران به‌دست‌آمده است و به‌طور خلاصه نشان می‌دهد که به‌طور متوسط هر فرد در یک سن معین چه میزان تولید، مصرف، به اشتراک‌گذاری منابع و پس‌انداز برای آینده انجام می‌دهد و نهایتاً در مجموع کل جمعیت، در چه دوره زمانی، سوددهی جمعیتی، مثبت و در چه دوره زمانی این سوددهی منفی است. سود جمعیتی طی دو مرحله اتفاق می‌افتد که «سود جمعیتی اول» به دوران به حداکثر رسیدن نیروی کار و رشد مثبت «نسبت حمایت» مرتبط است و «سود جمعیتی دوم» به افزایش «بهره‌وری نیروی کار» و افزایش انگیزه پس‌انداز در میان این بخش از جمعیت، مربوط می‌باشد.

در جریان گذار ساختار سنی جمعیت، این سودها به ترتیب و پشت سر هم اتفاق می‌افتند؛ یعنی ابتدا سود اول اتفاق می‌افتد و به یک نقطه پایانی می‌رسد و قدری دیرتر سود دوم آغاز می‌شود و به‌صورت نامحدود ادامه پیدا می‌کند. به‌طور خلاصه، سود اول یک پاداش گذرا را در بردارد و دومی پاداش را به دارایی‌های بزرگ‌تر و توسعه پایدار تبدیل می‌کند.

محاسبات مربوط به سود جمعیتی از پروفایل انتقالات اقتصادی نسلی یا به عبارت دیگر از اندازه‌گیری جریان‌های دریافتی و پرداختی انتقالات بین نسل‌ها به دست می‌آید. طبق راهنمای پروژه «حساب‌های ملی انتقالات»، سه نوع اطلاعات برای محاسبه حساب‌های ملی انتقالات موردنیاز است که عبارتند از: داده‌های جمعیتی و اطلاعات حساب‌های ملی و اطلاعات جریان‌های اقتصادی برحسب سن.

«سود جمعیتی اول» همان نرخ رشد «نسبت حمایت» است که نشان می‌دهد چه میزان از رشد اقتصادی، سهم مستقیم تغییرات نسبت حمایت است. چنانچه رشد نسبت حمایت منفی باشد، رشد اقتصادی، از اثر مستقیم تغییرات نسبت حمایت بی‌بهره خواهد بود. در اهداف قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷) که در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است، به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی متوسط سالانه هشت درصد و ضریب جینی (۰/۳۴) در سال پایانی برنامه، اهداف کمی کلان و بخش‌های اقتصادی به تفکیک تعیین شده است. در ماده چهار قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است، و تأمین حداقل دو و هشت‌دهم درصد از رشد هشت درصدی اقتصاد از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری به میزان متوسط سالانه بیست و یک و چهاردهم درصد تعیین شده است.

جدول ۱- شاخص‌های مهم اقتصاد کلان در برنامه هفتم

ردیف	نام شاخص	واحد اندازه گیری	سال پایه ۱۴۰۰	۱۴۰۳	۱۴۰۴	متوسط در برنامه ششم (درصد)
۱	تولید ناخالص داخلی	هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۸۳	۲۰۹۵	۲۲۵۶	۲۰۷۸	(متوسط رشد سالانه) ۸
۲	تولید سرانه	میلیون ریال به ازای هر نفر به قیمت ثابت ۱۳۸۳	۲۶/۱	۲۷/۸	۳۶/۱	(متوسط رشد سالانه) ۶/۷
۳	بهره‌وری در کل عوامل تولید	شاخص (۱۰۰۰-۱۳۹۵)	۱۰۰	۱۰۲	۱۱۵	(متوسط رشد سالانه) ۲/۸
۴	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۸	۴۴۰	۴۹۵	۱۱۶۰	(متوسط رشد سالانه) ۲۱/۴
۵	هزینه‌های مصرفی کل	هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۸	۱۱۹۷	۱۲۶۳	۱۵۲۴	(متوسط رشد سالانه) ۵
۶	صادرات غیر نفتی کالا و خدمات (بدون میعانات گازی)	میلیون دلار	۴۲۱۵۰	۴۷۵۸۳	۱۱۲۷۳۹	(متوسط رشد سالانه) ۲۱/۷
۷	واردات کل	میلیون دلار	۶۹۹۶۷	۸۶۵۵۷	۱۵۲۴۹۷	(متوسط رشد سالانه) ۱۶/۹
۸	نقدینگی	هزار میلیارد دلار	۱۳۰۰۳	۱۵۶۰۴	۲۸۵۰۸	(متوسط رشد سالانه) ۱۷
۹	نرخ تورم	درصد	۷/۹	۸/۳	۷/۹	(متوسط برنامه) ۸/۸
۱۰	نرخ بیکاری	درصد	۱۲/۶	۱۲	۸/۶	(متوسط برنامه) ۱/۲

جوانی جمعیت و قدرت نظامی

قدرت یک کشور را باید چند لایه و پویا دید. جمعیت و قدرت همواره در حال تغییر و تکامل هستند. اگر کشورها بتوانند برای جمعیت به عنوان پتانسیل قدرت سرمایه گذاری کنند، بهداشت و تحصیلات را توسعه دهند، و به شکلی برای جمعیت برنامه ریزی کنند که با رشد معقول و مستمر همراه باشد، چنین جمعیتی می‌تواند در زمانی منجر به قدرت کشور شود. اما اگر چرخه های آموزشی، اقتصادی و بهداشتی با هم درگیر نشوند، چرخ قدرت نیز حرکت نمی‌کند. باید قدرت را به صورت سیستمی نگریست که زیر سیستم‌های آن به صورت همگون و هماهنگ حرکت کنند.

باید بررسی کرد که مثلاً چقدر جمعیت کشورها جوان است و مهم‌تر از آن اینکه این جمعیت جوان تا چه اندازه تحصیل کرده است. یک جامعه با جمعیت جوان تحصیل کرده جامعه‌ای محافظه کارتر و معقول‌تر است که می‌تواند آینده نگری کند و دچار

احساسات نشود و تصمیم آینده نگرانه داشته باشد. در گذشته این دیدگاه هم وجود داشت که جمعیتی که جوان است ممکن است جامعه‌اش با انقلاب و آشوب همراه باشد، اما مطالعات نشان داده است که جامعه تحصیلکرده جوان می‌تواند دوراندیش باشد و تصمیمات عاقلانه تری بگیرد و تقاضاهایی داشته باشد که دولت‌ها هم به آن فکر کنند. به طور خلاصه، اینگونه بیان می‌شود که جمعیت تحصیلکرده و آگاه موجب افزایش مشارکت عمومی می‌شود؛ و به جای ایجاد آشوب و ناامنی، از طریق راه‌های مدنی و مشارکت در رای‌گیری، و با دوراندیشی و به صورت دموکراتیک بر آینده کشور اثر می‌گذارند. وجود توان تولید نبود نیروی کار کافی، سبب می‌شود برای جبران این خلاء، مهاجران جویای کار وارد کشور شوند؛ افرادی از کشورهای مختلف که هرکدام سبک زندگی و فرهنگ مختص کشور خود را دارند و آن را به کشور مقصد منتقل خواهند کرد؛ انتقال فرهنگ و سبک زندگی توسط مهاجران، تغییر فرهنگ به سمت و سویی نامعلوم را به همراه خواهد داشت و باید منتظر آن بودن رضایتی مردم در کنار بحرانی شدن اقتصاد، می‌تواند در اندک زمان به بحران امنیتی مبدل گردد؛ هم‌چنانکه بسیاری از جنبش‌های اعتراضی در کشورها، در مشکلات و مطالبات اقتصادی ریشه دارد. افزایش جمعیت سالمندان نیز جامعه را در مقابل تهدیدات نظامی آسیب‌پذیرتر می‌کند؛ به گونه‌ای که یا توان مقابله در برابر تهاجمات نظامی را نداشته یا به سازش‌های تحمیل شده برای فرار از بحران تن می‌دهند. چنان‌که در جنگ جهانی دوم «کورتین» نخست‌وزیر استرالیا هشدار داد که این کشور برای حفظ امنیت خود، همانند آسیای پرجمعیت، به جمعیتی سی میلیونی نیاز دارد؛ زیرا در جنگ‌های مدرن امروز، تغییرات کمی و کیفی جمعیت به طور مستقیم و غیرمستقیم بر نیروهای مسلح در حوزه مدیریت سرمایه‌های انسانی و معماری ساختارهای نظامی از نظر ترکیب و بافت نیروی انسانی، تأثیر خواهند گذاشت. جامعه‌ای که در سطح بین‌المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان‌تری است، می‌تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی‌تری نیز باشد. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه‌های نظامی و عملیات‌های سرنوشت‌ساز، برگ برنده‌ای بود که ایران توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک یا پیر باشد، توانایی رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت. اگرچه امروزه اقتدار نظامی در مناسبات بین‌المللی از اولویت خارج شده است و دولت‌ها تسلط بر مناسبات جهانی را در اقتدار اقتصادی جست‌وجو می‌کنند، اما در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در معرض تهدیدهای جدی دشمنان سیاسی خود قرار دارد و آشکارا مورد تهدید قدرت‌های زورگو قرار می‌گیرد، نمی‌توان از این مزیت در راستای اقتدار نظامی کشور چشم‌پوشی نمود.

بنابراین اگر شمار جمعیت یکی از مولفه‌های قدرت باشد باید توجه کرد که جمعیت ابعاد و ویژگی‌های مهمی دارد که می‌تواند بر قدرت اثر بگذارد. اندازه جمعیت موضوع مهمی است اما میزان رشد افزایش جمعیت مولفه مهمتری است. مثلاً آیا رشد جمعیت متناسب با رشد اقتصادی در جامعه است یا خیر؛ چرا که اگر رشد جمعیت بالاتر از رشد اقتصادی کشور باشد باعث می‌شود بخشی از نیازهای جمعیت تامین نشود و به فقر منجر گردد. علاوه بر آن، وقتی کشوری نتواند برای بخش‌های آموزش، رفاه و بهداشت سرمایه‌گذاری کند همان تعداد جمعیت ممکن است تبدیل به مزاحم جمعیت شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در حال حاضر کشور در برهه پنجره فرصت جمعیتی قرار گرفته است که تا ۳۰ سال آینده تداوم خواهد داشت. بدیهی است بهره‌مندی از این فرصت مستلزم مدیریت صحیح برای استفاده بهینه از امکانات بالقوه جمعیت فعال اقتصادی می‌باشد و با برنامه ریزی‌های اقتصادی انتظار می‌رود مسیر برای سازندگی، شکوفایی و بالندگی کشور فراهم گردد. پیامدهای کاهش جمعیت و افزایش نرخ سالمندی را کاهش نیروی کار جوان و فعال، کاهش تولیدات و خدمات، بالا رفتن هزینه نگهداری سالمندان، شکاف نسلی، عوارض فرهنگی و اجتماعی، بر هم خوردن توازن جمعیتی و کاهش اقتدار کشورها است. از طرفی کاهش قدرت نظامی، سوء استفاده‌های سیاسی را نیز به همراه خواهد داشت. از دیگر عرصه‌های مهمی که جوانان نقش ویژه و پررنگی در آن دارند، باید به پیشرفت‌های علمی اشاره کرد. به میزانی که جمعیت جوان کشور کاهش یابد، به همان میزان در این حوزه دچار ضعف خواهیم شد. بحران دیگری که شاید کمتر به چشم آید، ضعیف شدن نیروی دفاعی است. در قرن ۲۱ تصور عامه مردم این است که برای دفاع از مرزهای کشور با وجود تسلیحات پیشرفته نظامی، دیگر نیازی به سربازان پیاده

نیست؛ چنین فرضی کاملاً اشتباه است و میتوان گفت سالخوردگی و قدرت نظامی رابطه عکس تنگاتنگی با یکدیگر دارند. جمعیت های پیر و سالخورده با کاهش جمعیت واقع در سن کار روبه رو میشوند؛ به گونه ای که از یک طرف دولت ها با کاهش رشد اقتصادی مواجه شده و از سوی دیگر آنها ناچارند هزینه های گزاف و جدیدی برای بیمه ها، خدمات و مراقبت از سالخوردگان بپردازند. موفقیت اقتصادی به اندازه و کیفیت نیروی کار بستگی دارد. وجود توان تولید و نبود نیروی کار کافی، سبب می شود برای جبران این خلاء، مهاجران جویای کار وارد کشور شوند؛ افرادی از کشور های مختلف که هرکدام سبک زندگی و فرهنگ مختص کشور خود را دارند و آن را به کشور مقصد منتقل خواهند کرد؛ انتقال فرهنگ و سبک زندگی توسط مهاجران، تغییر فرهنگ به سمت و سویی نامعلوم را به همراه خواهد داشت و باید منتظر آن بود. با عبور افراد از مرز پنجاه سالگی و بعد از آن، احتمال مشارکت در نیروی کار کاهش می یابد اگرچه پتانسیل جمعیتی نیروی نظامی و دارای توان دفاعی کشور اندکی کاهش می یابد، از آنجایی که امروزه توان نظامی کشورها بر اساس مهارت رقم می خورد، پیشنهاد می شود از طریق بالابردن کیفیت نیروی نظامی و با بهره گیری از ظرفیت سواد در آینده، از طریق کیفیت، مسئله کمیت را جبران نمود. اولین و پایه ای ترین الزام سیاستی در زمینه بهره گیری از شرایط سود جمعیتی، اتخاذ راهبردهای کلان در حوزه تحقیقات و آینده پژوهی در این زمینه است تا مقدمه ای اساسی باشد بر فراهم نمودن زمینه های به فعل در آمدن فرصت های جمعیتی بالقوه نظیر پنجره جمعیتی و نظایر آن. همچنین تعیین متولی اجرایی و رسمی مشخص برای برنامه ریزی و اجرای موضوعات مهم جمعیتی نیز از جمله این موضوع کلان ملی، ضرورت بعدی است تا خلأهای اجرایی موجود بیش از این موجب غفلت و سهل انگاری از این گونه فرصت های بزرگ و درعین حال گذرا نشود. لذا همان گونه که این مقاله اشاره شد، ضروری است به نحو شایسته نسبت به استمرار و نهادینه سازی موضوعاتی از این دست در نهادهای حاکمیتی و همچنین سازمان های مردم نهاد که می توانند نقش مؤثری در بدنه فرهنگی جامعه ایفا نمایند، اقدامات لازم در برنامه های توسعه کشور پیش بینی گردد.

منابع

- اعتمادی، فاطمه. (۱۳۹۸). نقش افزایش جمعیت در اقتدار ملی. فصلنامه ره توشه، ۱۴۴۱ (شماره ۹۸ محرم و ربه نامه خانواده)، ۱۳-۲۴.
- افقه، سید مرتضی، منصوری، سید امین، ملتفت، حسین، بهاروند، پرستو. (۱۴۰۱). بررسی اثر تغییرات جمعیتی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران. اقتصاد باثبات، ۳(۱)، ۱۶۱-۱۸۵.
- ترکاشوند مرادآبادی، محمد، شمس قهفرخی، فریده، زندی ناوگران، لیلا. (۱۴۰۲). تغییرات جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده. مطالعات توسعه اجتماعی-اقتصادی، ۱۱(۱)، ۲۳۰-۲۶۳.
- خانی، ریحانه، نصراللهی، زهرا. (۱۳۹۳). تاثیر رشد جمعیت بر نوآوری در ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه. سیاست های راهبردی و کلان، ۱ (شماره ۴)، ۸۷-۱۰۶.
- خاتونی، مجتبی، وطن خواه، مسعود. (۱۳۹۲). ارزیابی جایگاه جمعیت جوان در ساخت قدرت ملی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران. کنگره پیشگامان پیشرفت.
- دلای-اصفهان، رحیم و اسمعیل-زاده، رضا. (۱۳۸۶). نگرشی نو بر ایده های جمعیتی (بازبینی اندیشه های مالتوس، کینز و بکر)، مجله علوم اجتماعی، صص ۹۷-۱۲۰.
- عسگری، علیرضا، معینی، سیدرضا، کاظمی، شهاب (۱۴۰۰). نقش جمعیت در حفظ اقتدار کشور با رویکرد امنیت اقتصادی. مطالعات امنیت اقتصادی، ۵(۹)، ۳۴-۵۵.
- سایه میری علی، نیک گفتار لیلی، عسگری حشمت الله، شایان عبدالله (۱۳۹۹). فراتحلیل تأثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی رفاه اجتماعی ۲۰ (۷۹): ۱۱۹-۱۵۲.

Chishti, M. Z. (2022). Analysis of the Nexus between Demographic Changes and Economic Growth in Pakistan: Role of Capital Stock. Iranian Economic Review, 26(3), 489-510.

Liang Y, Mazlan NS, Mohamed AB, Mhd Bani NYB, Liang B (2023) Regional impact of aging population on economic development in China: Evidence from panel threshold regression (PTR). PLoS ONE 18(3): e0282913

MacDonald, J.M. Malthus and the Philanthropists, 1764–1859: The Cultural Circulation of Political Economy, Botany, and Natural Knowledge. Soc. Sci. 2017, 6, 4. <https://doi.org/10.3390/socsci6010004>.

Peterson, E. W. F. (2017). The Role of Population in Economic Growth. SAGE Open, ۷(۴).۵۵–۹۰.

Oka , R & ert al(2017). Population is the main driver of war group size and conflict casualties. J Exp Biol 208:1–10.